

نه به خاطر کودکان آفریقایی

نگاهی به پیام‌های سیاسی اجتماعی داستان الی عزیز

عنوان کتاب: الی عزیز

نویسنده: مایکل مریپورگو

مترجم: پروین علی پور

ناشر: افق

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۸۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۹۱ صفحه

بها: ۸۰۰ تومان



مصطفی ناهید

رویدادهای عینی و درگیر با دنیای واقعی انسان‌ها و دیگری دنیای ذهنی و فانتزی پرندگان که در حاشیه آن، برخی رویدادها و جهان واقعی شناخته می‌شود، اما نه به پررنگی دنیای پرستوها!

به لحاظ نظری، اگرچه نمی‌توان بر نویسنده خرده گرفت که چرا از شیوه ترکیبی بهره گرفته، منطق حاکم بر پدیده‌ها حکم می‌کند که عناصر ترکیب، یکدیگر را نفی نکنند و در مجموع، یک کل معنادار پدید آورند. به نظر می‌رسد که حذف بخش دوم از متن، لطمه‌ای به ساختمان داستان نمی‌زند.

الی عزیز، در آغاز در بخش نخست، در زمینه‌ای اجتماعی و بر محور نیاز نسل جوان به شکوفایی استعدادها و تحقق آرزوهایش، سازمان ادبی می‌یابد. نحوه تعامل خانواده و نزدیکان مات، بخشی از این رویداد واقع‌گرایانه، بر محور شخصیت‌های انسانی است.

تصاویر و شخصیت‌پردازی‌های متن در زمینه یاد شده که کوتاه و گذراست، به وصف کشدار از پرستوها و جغرافیایی که از آن به سوی آفریقا عبور کرده‌اند، منتهی می‌شود. این دگرگونی روند داستانی، انتظاری را که در بخش نخست برای خواننده پدید آورده است، بی‌پاسخ می‌گذارد.

راوی داستان، فرصت قابل توجهی از زمان داستان را به وصف لحظات کشدار حرکت پرستوها از اروپا تا آفریقا اختصاص می‌دهد؛ پرستوهایی که هیچ مشارکتی در منطق داستان و رویدادهای عمده

سر راه او مانع ای نمی‌تراشد. در زمانی که مات در آفریقا به سر می‌برد، خواننده با دلمشغولی‌های خانواده او، مادر و خواهرش بیشتر آشنا می‌شود. مات که در زمان حضورش در خانه، به پرستوهایی که در گاراژ خانه لانه کرده‌اند، توجه ویژه داشته است، از خانواده می‌خواهد که این مسئولیت را در غیاب او برعهده گیرند.

خواهر و مادر مات، به خوبی از پس این مسئولیت برمی‌آیند. مادر او که دام‌پزشک است، حتی اتومبیلش را در گاراژ پارک نمی‌کند. در ضمن، او یکی از پرستوها را علامت‌گذاری می‌کند.

داستان در غیاب مات که در بخش اول شخصیت محوری است با حضور پرستوی قهرمان ادامه می‌یابد. پرستوی قهرمان، راهی آفریقا است. از بخش دو، روند و منطق داستان با حضور جدی پرستو رنگ می‌بازد و دگرگون می‌شود. پرستو پس از عبور از کشورها و سرزمین‌های بسیار، نزد مات می‌رسد. در این قسمت، خواننده با بخشی از زحمات مات آشنا می‌شود و درمی‌یابد که او در راه دفاع از کودکان آفریقایی، یک پایش را از دست داده است. مات پس از تیمار و معالجه، راهی خانه و نقطه آغازین داستان می‌شود.

ساختمان داستان

داستان الی، به لحاظ فنی «ترکیبی» است از دو زاویه دید نحوه نگرش و پرداخت؛ یکی برآمده از

کتاب «الی عزیز»، داستان ویژه نوجوانان است و نویسنده انگلیسی آن، مایکل مریپورگو، از سوی جراید کشورش، لقب «سومین نویسنده کودکان» جهان را کسب کرده است.

این اثر و برخی آثار دیگر مایکل مریپورگو، توسط مترجم نام‌آشنای ادبیات داستانی، خانم پروین علی‌پور ترجمه شده است. ترجمه نسبتاً روان، مستحکم، همراه با معادل‌های منطقی و هم معنا در زبان فارسی، ترجمه را در مقایسه با سایر رمان‌ها و داستان‌های ترجمه‌ای برتری داده است.

رویکرد منتقد به این اثر، ضمن نگاهی گذرا به ساختمان داستانی، بر دلالت‌های سیاسی اجتماعی متن در هزاره سوم تأکید دارد. هم‌چنین، نقد مایل است تا پیام‌های پنهان مانده در ساختمان و فرم داستانی را آشکار نماید. دلالت‌هایی که متأسفانه، در نقد و بررسی متون داستانی، کم‌تر مورد توجه است و دلمشغولی‌ها همه به سوی تحلیل متن به ماهو متن متمایل می‌شود تا فهم متن با توجه به رابطه‌ای که با جهان بیرونی برقرار می‌سازد.

خلاصه داستان

الی عزیز، حکایت یک جوان انگلیسی، به نام «مات» است که پس از کسب موفقیت تحصیلی و راهیابی به شرایط مناسب اجتماعی، راهی آفریقا می‌شود.

خانواده وی با تصمیم او مخالف است، اما بر

آن ندارند.

تأکید و توجه نویسنده در بخش دوم داستان، توقع جدیدی برای خواننده پدید می‌آورد که می‌توان از آن، چنین نتیجه گرفت که حرکت پرستوها از گاراژ خانه مات و طی کیلومترها تا رسیدن به آفریقا، آن هم درست جایی که مات ساکن شده است، با حوادث بعدی داستان یا حل معمایی از آن، بی‌ارتباط نخواهد بود. در حالی که این انتظار پدید آمده از ساختمان داستان نیز به سرنوشت انتظار نخستین دچار می‌شود. چرا که پرستوها و پرستوهای قهرمان، در رویدادهای داستان نقشی ندارند و نه تنها در تحولات فیزیکی آدم‌ها ایفای نقش نمی‌کنند، بلکه با بازگشت شتابان مات به خانه، بدل به پرسشی درخور تعمق می‌شود. این فقدان ربط منطقی چنان چهره آشفته داستان را هویدا می‌سازد که خواننده به آسانی می‌تواند خط داستان را بدون توجه به بخش دوم آن به پایان برساند بی‌آنکه از معنایی که مراد نویسنده بوده است چیزی کاسته باشد. لذا آلی عزیز خواندنی! است حتی با حذف یک بخش آن.

ربط‌شناسی «مات» و «پرستوی» قهرمان

بسیار بعید می‌نمایند نویسنده‌ای که «نویسنده سوم کودکان جهان» لقب گرفته است، بی‌تفکر و منطقی خاص، بخش دوم را به داستان افزوده باشد. سادگی نقد، ما را به تفکر بر شناخت روابط درونی و کشف معنای آن - مات و پرستو - ترغیب می‌کند. چرا که نمی‌توان نقیصه پیش گفته را به حساب عدم شناخت ساختمان داستانی گذاشت. از طرفی، با اندکی توجه و مذاقه به نحوه انتخاب شخصیت‌ها در بخش نخست، نوع دیالوگ‌ها و تعامل آدم‌ها با یکدیگر و مقایسه آن‌ها با حوادثی که بر پرستوی قهرمان می‌گذرد، در طول داستان و با پیوستن قطعات به ظاهر جدا و بیگانه با هم، به معنای جدیدی دست خواهیم یافت که به تمامی، نقد پیش گفته را بی‌اساس می‌سازد.

«مات» در مقام یک جوان، می‌تواند نماینده سیاسی اجتماعی مردم اروپا، به ویژه انگلستان باشد؛ اگرچه سایر نشانه‌ها و نمادها، ما را به سایر کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، ایرلند و... می‌کشاند. پرستو و پرستوی قهرمان، در عرض داستان شباهت‌های بسیاری با «مات» دارد و این شباهت‌ها از سر اتفاق نیست. «مات» از یک سو، با پیوندی عاطفی و انسانی در جهان مدرن اروپا و پیوندی دوباره با آن‌ها در آفریقا، به خواننده می‌قبولاند که آن‌ها از طرز تفکری مشترک و باور و شخصیت تاریخی مشابه برخوردارند. «مات» چنان دلبسته این پیوند و حس «خودی» شده است که پرستوهای اطراف کودکان آفریقایی را کاملاً انگلیسی معرفی می‌کند؛ گویا آن‌ها به مدد آفریقایی

گرسنه و فقیر آمده‌اند.

این پیوند زمانی معنای سیاسی اجتماعی پیام‌های به حاشیه رانده شده متن را برجسته می‌سازد که درمی‌یابیم «مات» جوان، زمانی که راهی آفریقا می‌شود، بی‌آن که به علل اصلی فقر و فلاکت آفریقایی‌ها توجه کند، در سطحی‌ترین فهم و تحلیل باقی می‌ماند؛ توقفی هوشمندانه که پیام اصلی خود را در پایان به خواننده ارایه می‌دهد.

لذا بیهوده نیست که «مات» طعنه معنادار «بتل» اخمو را در آغاز داستان، به طور کامل نشنیده می‌گیرد. در حالی که «بتل» اخمو، مخالف رفتن «مات» به آفریقا نبوده است و تنها می‌خواسته او را متوجه نیازهای اصلی مردم آفریقا سازد. اما «مات» مایل است تا به مسایل عمده اجتماعی مردم آفریقا توجهی نکند. در مقابل، می‌خواهد تا خواننده نه تنها از او، بلکه از مردم دیگر کشورهای

اروپایی هم چهره‌ای کاملاً انسان دوستانه و حامی مردم آفریقا برداشت کند. قهرمان شدن پرستو، همسان قهرمان شدن مات در امداد به مردم آفریقا است. مات در این راه، با ایثار پای خود، تبدیل به یک منجی می‌شود؛ منجی‌ای که ابزاری جز خنداندن و دلچکی ندارد:

«بتل اخمو رک و پوست کنده حرف دلش را زد: «مات! چیزی که آن‌ها توی آفریقا لازم دارند، غذا، دوا و صلح است، نه لطفیه و شوخی!...»

(ص ۱۳)

اگر بر اساس تفکیک نیازهای انسان، بخواهیم بتل اخمو و مات را مقایسه و جایگاه‌شان را بر اساس دیالوگ‌هایشان مشخص سازیم، مات چشم بر نیازهای اولیه و فیزیولوژیک انسانی می‌بندد و همه چیز را به مسایل فرعی پیوند می‌زند و بر آن است تا رهیافتی جدید به حل بحران‌های انسان‌های فقیر بگشاید. در حالی که «بتل» اخمو، به نیازهای اولیه انسان‌ها پامی‌فشارد؛ چرا که بر این باور است که شادی و خنده، نتیجه زندگی در اجتماعی‌ای است که در آن، انسان‌ها درد نان شب دلشوره امنیت نداشته باشند.

نویسنده بیهوده نیست که صفت «اخمو» را از میان فامیل‌های «مات»، به فردی می‌دهد که به بنیادهای فقر و نیازهای مردم آفریقا اشاره می‌کند. «مات» از آن جا که نمی‌خواهد نباید همانند «بتل»، اخمو باشد و باید نقطه مقابل آن، شاد و خندان جلوه کند، لذا نمی‌تواند در بیان انگیزه و علل سفر خود، به مسایلی اشاره داشته باشد که در قاموس

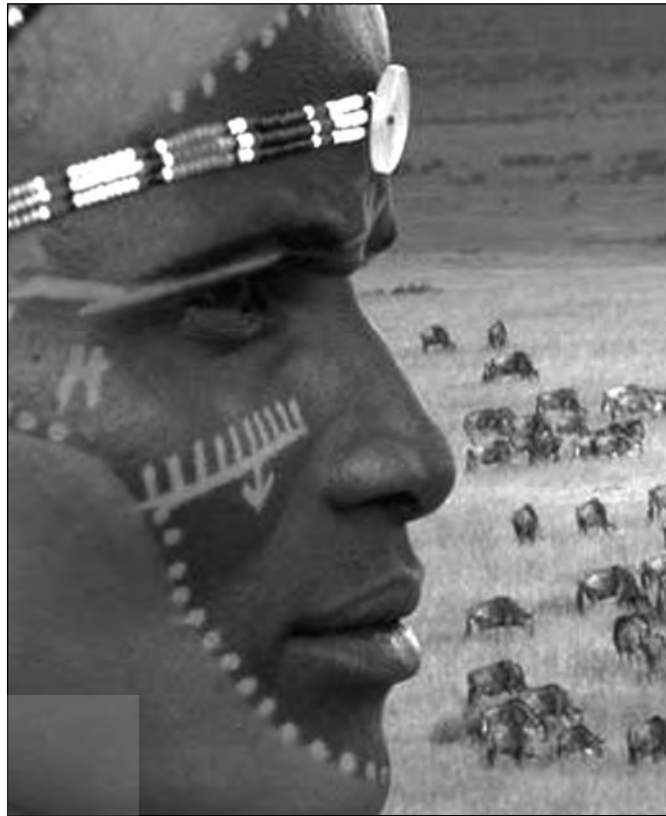
**آلی عزیز،
در آغاز در بخش نخست،
در زمینه‌ای اجتماعی
و بر محور نیاز نسل جوان
به شکوفایی استعدادها و
تحقق آرزوهایش،
سازمان ادبی می‌یابد.
نحوه تعامل خانواده و
نزدیکان مات،
بخشی از این رویداد واقع‌گرایانه،
بر محور شخصیت‌های انسانی
است**

اندیشه‌ورزان و جست‌وجوگران برابری اجتماعی است. از این رو، در زمانی که هنوز سفر به آفریقا را آغاز نکرده است، در گفت‌وگو با خواهرش، انگیزه‌های واقعی‌اش را برملا می‌سازد:

«می‌خواهم دلچک بشوم. آلی منظورم یک دلچک واقعی است، می‌خواهم مردم را شاد کنم. و حالا می‌دانم این کار را کجا انجام می‌دهم.»
مات سپس علت انتخاب آفریقا را این گونه بیان می‌کند:

«می‌خواهم جایی بروم که پرستوهایم می‌روند. می‌خواهم به آفریقا بروم.»

در حالی که نویسنده خوب می‌داند که پرستوها در گاراژ خانه «مات» لانه دارند و حداقل زمانی دیگر هم نزد «مات» خواهند بود. پس چه دلیلی دارد که خواننده، از صفحه تلویزیون، کودکان فقیر آفریقایی را مشاهده کند تا پی به دلبستگی مات به مردم آفریقا ببرد؟ بی‌شک، اگر خواسته باشیم علل اصلی فقر و عقب ماندگی آفریقا را میان کشورهای جهان تقسیم کنیم، اروپا و به ویژه فرانسویان، بیشترین سهم را خواهند داشت. بعید می‌نمایند که نویسنده محترم، از تاریخ استعمار آفریقا توسط کشورهای اروپایی بی‌اطلاع باشد. اما سکوت معنادار و شخصیت‌پردازی ویژه و حساب شده، شخصیت و عواطف قهرمان اصلی را به سراب احساسات و عواطف فردی محدود و گرفتار می‌سازد. این شیوه، به پدید آمدن آگاهی کاذبی منجر می‌شود که بی‌تردید، حرکت «مات» را نمی‌تواند به خاطر فقر و گرسنگی مردم آفریقا تعریف کند.



تقابل دو جهان داستانی

«آلی» در روند داستانی‌اش، دو جهان انسانی کاملاً متفاوت را به تصویر می‌کشد؛ جهانی متمدن و عاری از فقر و فلاکت و جهانی که حتی «پرستوها» هم در آن، چیزی بیش از زباله به حساب نمی‌آیند و بالطبع آدم‌هایش گرسنه و فقیراند.

اما جهان نخست که متعلق به غرب (اروپا) است، جهانی است که روزگاری سرمایه‌های ملی مللی چون آفریقا را به تاراج برده است و جهان دوم، جهانی نیازمند همه‌گونه مهرورزی و محبت جهان نخستین!

آدم‌های داستان، در بخشی که متعلق به جهان نخست است همه منطقی، دلسوز، خوب و شایسته جهان مدرن‌اند و در مقابل، اگر داستان از انسانی سخن می‌گوید که به جهان دیگری تعلق دارد، همه در یک صفت مشترک‌اند: «نیازمند» مهر جهان اول.

در پایان داستان، بی‌دلیل نیست که خواننده چهره‌ای از «مات» می‌بیند که در لحظه بازگشت به خانه، از سوی کودکان آفریقایی، هم‌چون یک قدیسی و ناجی بدرقه می‌شود.

کودکانی که نه پدر دارند، نه مادر و نه حتی بزرگ‌تر از خود تا در کنارشان برای این ناجی از غرب آمده هورا بکشند و سر تعظیم فرود آورند. اصلاً آفریقایی نمی‌داند چگونه بخندد و قهقهه سر دهد. این شیوه قطب‌بندی انسان‌ها در دو جهان و

توصیف روان شناختی، اختصاص به متون ادبی و هنری ندارد. زمینه‌های اصلی این نگرش، به مناسبات حاکم در جهانی بزمی‌گردد که اقلیتی منابع طبیعی و اقتصادی اکثریت جهان را بلعیده‌اند. لذا به واسطه ابزارهای فرهنگی، باید به بسط تفکری پرداخت که آدمی را به یاد مسیونرهای قرن ۱۷ و ۱۸ می‌اندازد: سفیرانی که امروزه رخت و لباس دیگری بر تن کرده‌اند. با چنین پیشینه‌ای است که نقده، با بررسی ساده نشانه‌های داستانی، پرده زیبایی‌آلی عزیز را در مقام یک ابزار ارتباطی ویژه نوجوانان، کنار می‌زند.

بررسی نمونه‌هایی از متن

هرکجا نام و نشانی از امدادگران است، تمامی غیر آفریقایی‌اند. نویسنده در جایی که به بیمارستان نیاز است، تعلق سیاسی بیمارستان را معرفی می‌کند. در حالی که در روند حوادث، از بیان بسیاری اطلاعات بایسته چشم پوشی می‌کند:

«نگران نباش، چشم به هم بزنی می‌رسیم بیمارستان. یک بیمارستان فرانسوی.»
 گویا «مات» در آن حال، کاملاً به شنیدن واژه «فرانسوی» نیازمند است.
 زمانی که «مات» وارد بیمارستان شده است، در صحنه‌ای بسیار کوتاه، پرستاری به او سلام می‌کند. نویسنده به تعلق پرستار به کشور انگلستان، این‌گونه اشاره می‌کند:
 «پرستار گفت: «سلام مات» انگلیسی را غلیظ تلفظ می‌کرد.»

این حساسیت معنادار، در توصیف بخش طبیعی (پرنده‌گان و خاک و سرزمین‌ها) هم نشان داده می‌شود. پرستوی قهرمان، در حالی که توسط مادر «مات» تیمار می‌شود، بعد از عبور از آسمان چند کشور اروپایی که حادثه‌ای برایش پدید نمی‌آید، به محض رسیدن به مناطق غیر خودی، دچار گرفتاری و بلا می‌شود!

«یک تور، یک دام بزرگ صید طوطی، در فضای باز جنگل از درختی به درختی دیگر گسترده بود. قهرمان تا زمانی که در دام افتاد، آن را ندید. همان طور چند طوطی خاکستری و یک طوطی بزرگ‌تر رنگارنگ هم به گونه‌ای اسفبار اسیر شده بودند.»

خواننده با مقایسه ساده نشانه‌های داستانی، درمی‌یابد که پرستو هم بدیلی از «مات» قهرمان است. او هم گرفتار است؛ اصلاً صحرای آفریقا،

یعنی بلا و گرفتاری. آنان (پرستوها) در آن دیار، با زباله فرقی ندارند. در حالی که پرستوی قهرمان در انگلستان، تا سر حد ممکن در آسایش و رفاه قرار دارد و حتی مادر «مات» حاضر نیست ماشینش را در گاراژ پارک کند تا مبادا پرستوها نگران شوند. درحالی که در این جای دیگر:

«یکی از شکارچیان، قهرمان را محکم گرفت، او را به سوی خود کشاند، بیچاند، از دام بیرون آورد هم‌چون مشت زباله به کناری پرتاب کرد.»

(ص ۵۳)
 «دید انسان‌ها را! هزاران هزاران انسان، در شهری درهم ریخته از کلبه‌ها و چادرها، در شهر... در جایی نکبت بار، در مکانی آکنده از بدبختی و آلام بشری، جایی که فریادهای بی‌امان گرسنگی، بیماری، مرگ و اندوه در آن پیچیده بود...»
 (ص ۵۷)

نقش حکومت و نظام‌های سیاسی، در رنج و آلام انسان‌ها در جهان سوم چه مقدار است؟ این پرسشی است اساسی که داستان آلی عزیز، از طرح آن خودداری می‌کند. در مقابل، با ساخت چهره‌ای انسانی از جوامع متمدن، پرسشی جدید می‌سازد. نقش کشورهای متمدن در رفع رنج و آلام کشورهای فقیر شده چه مقدار است؟

منجی قصه‌گو

«کودکان با دهان باز از حیرت به قصه گوش دادند تا به پایان رسید... کودکان برایش کف زدند و خواهش کردند قصه‌ای دیگر بگوید.»

(ص ۶۱)
 تصویرسازی اغراق‌آمیز از کودکان آفریقایی در پایان داستان، جوابی است به این سطور و اندیشه «بتل اخمو» در آغاز داستان که کودکان فقیر آفریقا، نه به خنده نیاز دارند، نه صلح، نه نان و آب و مسکن! «یک‌باره دویست سر برگشت و همگی به بالای دیوار نگاه کردند. دلفک [مات] ادامه داد: «بچه‌ها! آن‌ها از راه دوری آمده‌اند. بعضی‌هاشان ممکن است از انگلستان، از کشور من آمده باشند. پرستوها هزاران مایل را فقط به خاطر دیدن شما آمده‌اند، خب... همین خودش نعمتی است واقعاً نعمت است، مگر نه؟!»

(ص ۶۱)
 در فراسوی پیام نمادها و نشانه‌های داستانی، می‌توان کودکان گرسنه آفریقایی را دید که به خاطر لطف و عنایت «مات» انگلیسی، به احترام دست به سینه برده‌اند تا شکرگزار تمدن و شخصیت جهانی اولی‌ها باشند.

و ما درخواهیم یافت، نه به خاطر کودکان آفریقایی، بلکه به خاطر...